



همایون

حسینان

سنگ اول

طوطیان و بلبلان را از پسند

از خوش آوازی قفس در

می‌کنند!

پس از این‌که علی دایی و صادق زیباکلام و مهراب قاسم‌خانی و تنی چند از سلب‌ریتی‌ها برای پارهای توضیحات به آگاهی احضار شدند، دلخوری‌هایی برای آن‌ها پیش آمد، به طور نمونه علی دایی گفت: «آن‌ها از اینکه مردم به امثال من اعتماد کردند، ناراحت هستند و به همین خاطر این ناراحتی‌شان را با بستن حساب و احضار من بروز دادند» وی در بخشی دیگر گفت: «به‌جای احضار من پاسخ‌گوی هزاران میلیارد گم‌شده باشند» خب جناب دایی! اولاً مردم به تو اعتماد کنند که چه بشود؟ تو می‌توانی از این اعتماد نهایت استفاده را ببری؟ نمی‌توانی که! الکی اعتماد مردم سوخت می‌شود. چرا مردم به کسی پول بدهند که نتواند هیچ‌گونه به‌رهای ببرد؟ در عوض به جای تو و زیباکلام و... کسانی هستند که هزاران میلیارد از جیب همین مردم سود بردند و به شکوفایی اقتصادی رسیدند می‌گویی نه؟ یک سر به کانادا بروی متوجه می‌شوی. پس قبول کن این‌کاره نیستی. دوم اینکه تو که احضار نشدی؛ رئیس پلیس آگاهی گفت: «افرادی که به پلیس آگاهی دعوت شدند، نه به عنوان مجرم و متهم، بلکه به عنوان مطلع دعوت و این دعوت‌نامه برای خیلی‌ها صادر شد و آن‌ها هم آمدند و توضیحاتی را ارائه کردند. البته برخی هم نیامدند.» دیدی؟ فقط یک دعوت عادی بود. بنده وقتی شوق دیدن دوستی را داشته باشم سعی می‌کنم به بهانه‌های مختلف او را بکشانم سر قرار، حالا این‌ها هم حسایت را مسدود کردند که حتما بروی تا ببینند! به قول حضرت مولانا: «طوطیان و بلبلان را از پسند/از خوش‌آوازی قفس در می‌کنند/زاغ را و جغد را اندر قفس/ کی کنند، این هیچ نامد در قصص». سوم اینکه برای چه آن‌هایی که دعوت کردند باید پاسخ‌گوی هزاران میلیارد گم شده باشند؟ اصلاً از کجا معلوم این مبالغ هنگفت گم شده باشد؟ والا ما که صحبت مسئولان را می‌شنویم، این‌جوری هم نیست که مبلغی گم شده باشد یا ندانند پول کجا رفته فقط کمی رعایت حال افراد را می‌کنند خدای نکرده آبرویی از آن‌ها نرود. در ضمن آن‌ها را هم دعوت کردند ولی خب نیامدند. این دیگر تقصیر مدعوین است نه دعوت کنندگان. به هررو شما به تک پا تشریف ببرید آنجا و پارهای از توضیحاتتان را بدهید.



مهدی

محمدی

سنگ دوم

تو که نوک حمله بودی، سر

ساختمون چه‌کار می‌کردی؟

حساب علی دایی که مخصوص کمک به زلزله‌زدگان کرمانشاه بود توقیف شد و به پلیس آگاهی احضار شد. علی دایی گفت: اگر سنگ اندازی‌ها نباشد شصت‌هفتاد تا خانه برای زلزله‌زده‌ها می‌سازم.

● پاول دورف: حالا که حساب بانکی علی دایی را مسدود کرده‌اند ما نسخه بلاک چین این حساب بانکی را منتشر می‌کنیم تا دایی به حسابش دسترسی داشته باشد.

● مدیر پروژه مسکن مهر کرمانشاه: با اون همه پول فقط شصت‌هفتاد تا خونه می‌خوای بسازی؟ اگه مثل ما برای هر خونه فقط یک کیسه سیمان مصرف کنی، ۱۰۰ تا خونه هم می‌شه بسازی‌ها!

● رئیس فدراسیون فوتبال عربستان: چون ایران بدون هماهنگی فیفا علی دایی رو احضار کرده، باید فدراسیون فوتبال ایران تعلیق شود.

● یک اکبریده‌کار بانکی: آقای دایی! از آنجایی که یکی از حساب‌های شما را مسدود کرده‌اند، بعید نیست بقیه حساب‌های بانکی را هم مسدود کنند. من یک شماره کارت می‌دهم، هر چه پول داشتید بریزید به کارت من. هر وقت هم خواستید پس می‌دهم.

● وزیر راه و شهرسازی: تو که نوک حمله بودی، سر ساختمون چه‌کار می‌کنی! مگه تو هم بلدی خونه بسازی؟

در حاشیه احضار علی دایی، مهراب قاسم‌خانی و زیباکلام در خصوص

جمع‌آوری کمک‌های مردمی برای زلزله‌زدگان

علی دایی خطاب به نرگس کلباسی:

چطو بتو گیر ندادن؟

بابک زنجانی:

وقتی افراد

مطمئنی همچون

من را در زندان

کردید، باید هم

علی دایی ها پول

مردم را بخورند!

صادق زیبا کلام:

خواستی بری،

دنبال من هم بیا.

خیلی دوست

دارم صندلی جلو

مازراتی بنشینم.



طرح: حسین صافی



مجتبی

نخعی‌راد

نشستن این‌قدر ملاحظه می‌کنین و چشمک می‌زنین و ابرو می‌اندازین؟ نگران نباشین، این که کارهای نیست. اصلاً مال این حرفا نیست، می‌خواین همین قدر شفاف باشه. ● آخه برای چی اول فصل سرما حسابتون رو مسدود کردن؟ این چه مدل دعوت از مطلع هست؟ اگه مدرک محکمی در مورد تخلف ندارن برای چی با آبروی شما بازی می‌کنن؟ چطوری می‌خواین پروژه‌ها رو تموم کنین؟ چرا هی لبتون رو گاز می‌گیرین و اشاره می‌کنین؟ ● این دوستان، دقت کن، این دوستان که اشاره می‌کنم، ظاهراً یک سری ابهامات داشتن که امیدواریم زودتر برطرف بشه تا بتونیم کمک‌ها رو سریع‌تر به دست مردم کرمانشاه برسونیم. ● ای بابا، زودتر می‌گفتی. پس بریم توضیحات رو بدیم و بریم.

● نه بچه‌چون، من مالک مؤسسه سکه ثامن هستم. ترکیه بودم، یه کار اداری کوچیک داشتم با پای خودم بلیت گرفتم اومدم اینجا آگاهی، الانم شماره گرفتم منتظر نویتم بشه. ... من رو صدا کردن، کار نداری؟ دارم می‌رم! خداحافظ. ● تو که راست می‌گی! یک ساعته ما رو سر کار گذاشتی؟ جای امثال شما اینجاست، نه آقای دایی. پس علی دایی کجاست؟ آقای دایی؟ ● خیلی ببخشید، من الان رسیدم. به قولی من رو صدا کردین؟ ● خداروشکر بالاخره پیداتون کردم. اگه بدونین چقدر دنبالتون گشتم. جای شما اینجاست آخه؟ این‌قدر زحمت کشیدین و از آبروی خودتون برای زلزله‌زده‌ها خرج کردین. چرا هی چشمک می‌زنین و ابرو بالا می‌اندازین؟

● اوه اوه، حالا دیگه کمک‌های مردمی رو دور از چشم بزرگان می‌پیچونی که به دست زلزله‌زده‌ها برسونی؟ فکر کردی مملکت حساب و کتاب نداره؟ ولی قیافت آشنا نیست، قرار بود فقط سلب‌ریتی‌ها رو بیارن. اسمت چی بود؟ ● نمی‌گذاری توضیح بدم که، عرض کردم برای اون قضیه کمک به زلزله‌ها و مشکلاتی که داشتن اومدم با آقای علی دایی مصاحبه کنم. ● اوه اوه، اون جرمش خیلی سنگینه، کمک به زلزله‌زده‌ها! براش سند آوردی؟ ● نه، مگه گرفتیش؟ آخه قرار بود به عنوان مطلع. ● من چه می‌دونم هی این سؤال‌ها رو از من می‌پرسی، برو از خودشون بپرس. ● مگه شما از برادرهای اینجانیستید؟

خیابانی: دایی یک

– بقیه نهادهای امداد

رسان صفر؛ ولی چیزی

از ارزش‌هاشون کم

نمی‌شه!

هفت سنگ

● هووووی، کجا بچه؟ با کی کار داری؟ مگه گاراژه سرت رو انداختی پایین با میکروفن میای تو؟ ● من از هفته‌نامه طنز پلخمون مزاحم می‌شم. می‌خواستم... ● طنز، ها؟ برای همین گرفتنت دیگه؟ همین طنز چی داره که شما این‌قدر چسبیدین بهش؟ می‌گن سر سرخ، زبان سبز می‌دهد بر باد! ● جسارتا اون زبان سرخ هست که سر رو به باد می‌ده، ولی نه، به خاطر این قضیه نیومدم. ● واستا نکو، فهمیدم! به خاطر پلخمون دیگه؟ مگه مرض داری سنگ پرت می‌کنی؟ می‌زنی چشم یکی رو می‌ترکونی بدبخت می‌شی. بعدشم زشته، شما دیگه بزرگ شدی، شاکت‌ت کیه؟ ● آقا من شاکتی ندارم، بازداشت هم نیستم. برای اون قضیه کمک به زلزله‌زده‌های کرمانشاه...